

از آثار

- مانلی فخریان***

طی هفته‌های گذشته و در این واقفاسی چاپ و نشر کتاب که بسیاری از نویسندگان و مترجمان را ناخشنود کرده هنوز کتاب‌هایی هستند که برای اهل قلم جای صحبت و بررسی داشته باشند. گرچه رتبه‌بندی کردن کتاب و ادبیات کار دشواری است اما چند نفر از نویسندگان و شاعران نظر خود را براساس یک درجه‌بندی پنج مرحله‌ای اعلام کردند.

داستان

■ **علی خدایی**، نویسنده:
داستان بلند «یوسف آباد، خیابان سی و سوم» نوشته: سبنا دادخواه - امتیاز: ۴
رمان «چرخ ندنه‌ها» نوشته: امیر احمدی آریان امتیاز: ۴

مجموعه داستان «خاک غریب» نوشته: جومیا لاهیری
با ترجمه امیرمهدی حقیقت - امتیاز: چهار (این کتاب با ترجمه گلی امامی به نام «به کسی مربوط نیست» نیز موجود است.)
مجموعه «آویشن قشنگ نیست» نوشته: حامد اسماعیلیون - امتیاز: ۳
■ **سیامک گلشیری**، نویسنده:

مجموعه داستان «شبانه‌ها» نوشته کازو ایشی گورو با ترجمه مهدی غبرایی امتیاز: ۵
رمان «برگ ریزان» نوشته آدلاین بن ما با ترجمه الهه مرعشی - امتیاز: ۳
■ **مریم محمدی سرشت**، مترجم:

مجموعه داستان «خاک غریب» نوشته: جویا لاهیری با ترجمه امیرمهدی حقیقت - امتیاز: ۵
(به دلیل نگاه روانکاوانه به درون انسانها)
رمان «عامه‌پسند» نوشته چارلز بوکفسکی با ترجمه پیمان خاکسار - امتیاز: ۳
(داستان‌های کارآگاهی با طنزی تلخ)

مجموعه داستان «دوست داشتم کسی جایی منتظم باشد» نوشته آنا گاولدا با ترجمه الهام دارچینیان - امتیاز: ۴
(به خاطر تصویر کشیدن شخصیت‌هایی که برای خواننده آشناست.)

■ **شیوا ماقانلو**، نویسنده و مترجم:
مجموعه داستان «زن دیوانه روی پل» نوشته: سو تونگ با ترجمه کیوان بهمنی - امتیاز: ۴

مجموعه داستان «نمی توانم به تو فکر نکنم سیما» نوشته: محمدحسینی - امتیاز: ۴

■ **بهماند**: نوشته: بهناز علی پور گسگری - امتیاز: ۴
رمان «جان‌نورها» نوشته: جویس کرول اوتس با ترجمه حمید یزدان‌پناه - امتیاز: ۳
(به خاطر تم قوی کار، گرچه کار به ویرایش مجدد نیاز دارد. س)

مجموعه داستان «ماجرا از این قرار بود» نوشته: ساسان م ک. عاصی امتیاز: ۳

شعر

- رویا زرین**، شاعر:

مجموعه شعر «نی‌زن، جذامی و باد» سروده سعدی گل بیانی - امتیاز: ۴
(در این دوران که همه کتاب‌ها و شاعران دچار خود سانسوری هستند، تنها کتابی است که من با آن ارتباط گرفتم و با وجود همه خیال‌پردازی‌ها زبان سالم و آزادی دارد.)
■ **علی سمعودی نیا**، منتقد:
«نی‌زن، جذامی و باد» اثر سعدی گل بیانی -

امتیاز: ۴

مجموعه شعر «سطرها در تاریکی جا عوض می‌کنند» سروده گروس عبدالملکیان - امتیاز: ۴
مجموعه شعر «فقط از پربان دریایی زخم زبان نمی‌خورد» اثر علی باباچاهی - امتیاز: ۳

مجموعه شعر «یکی مرا به کلینیک معرفی‌کند»

سروده رحیم فروغی - امتیاز: ۲

مجموعه «پیرتر از خود» شعرهای حمیدرضا شکارسری - امتیاز: ۲

- رسول یونان**، شاعر:

مجموعه شعر «لانه آسمان چوبی» سروده جونگ یول، شاعر مدرن کره‌جنوبی با ترجمه: پونه ندایی - امتیاز: ۵
(جونگ یول شاعر عاشق پیشه‌ای است که دنیا را فقط از دریچه عشق می‌بیند ولی در ستایش انسان و طبیعت بسیار توانمند است.)

مجموعه شعر «پس از عبور درناها» سروده واهه

آرمن - امتیاز: ۵
(به خاطر قدرتمندی شاعر برای تصویر کردن تجربیات تازه از جهان و زندگی آدم‌ها زندگی را با بیش از دو چشم دیدن.)

■ **یادها** شناسنامه مرا برند» مجموعه اشعار علی عبداللهی - امتیاز: ۵
(به خاطر نگاه تیزبین، دقیق و گسترده شاعر که عموماً از پس تبیین و توصیف سوزهای جدید بر می‌آید.)

* **امتیازات از عدد ۱ تا ۵ است**. بدیهی است عدد بالاتر به معنای ارزش بیشتر کتاب از نگاه منتقد است.

* **اسامی** منتقدان به ترتیب الفبایی آمده‌است.

پرفروش‌ها

۱- ادبیات چیست؟

نوشته ژان پل سارتر، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحمانی
ناشر: نیلوفر، ویرایش جدید، چاپ اول، قیمت: ۷۵۰۰ تومان

۲- بیگانه‌ای در تاریکی

نوشته ماری کلارک، ترجمه علی اکبر درویش

ناشر: مدبر، چاپ اول، قیمت: ۶۰۰۰ تومان
۳- ترجیح گریستگی

رمان، نوشته گوستاو لوکلزویو، ترجمه مهستی بحرینی
ناشر: چاپ اول، قیمت: ۴۵۰۰ تومان

۴- دختری از پرو

رمان، نوشته ماریو بارگاس یوسا، ترجمه خجسته کیهان
ناشر پارسه، چاپ اول، قیمت: ۷۰۰۰ تومان

۵- روشن‌تر از خاموشی

گزیده شعر معاصر فارسی، گردآوری: مرتضی کاخی
ناشر: آگه، چاپ دوم، قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

۵- سپیده‌دم

رمان، نوشته استفانی مایر، ترجمه ایرج مثال‌آذر
ناشر: دانش بهمن، چاپ دوم، قیمت: ۱۰۵۰۰ تومان

۶- سرزمین گوجه‌های سبز

رمان، نوشته هرتا مولر، ترجمه غلامحسین میرزاصالح

ناشر: مازپار، چاپ دوم، قیمت: ۳۲۰۰ تومان
۷- نماد گمشده

رمان، نوشته دان براون، ترجمه شبنم سعادت
ناشر: افراز، چاپ اول، قیمت: ۱۲۸۰۰ تومان

۸- همنوایی شبانه ارکستر چوپها

رمان، نوشته رضا قاسمی

ناشر: نیلوفر، چاپ هشتم، قیمت: ۳۵۰۰ تومان

* **این فهرست بر اساس آمار فروش و کتابفروشی نیلوفر (مقابل دانشگاه تهران) و شهر کتاب فرهنگ (خیابان یوسف آباد) تهیه شده است**.

* **عنوان** کتاب‌ها به ترتیب الفبا قید شده است.

در ادبیات فارسی چند سالی است با داستان‌های بلندی مواجهیم که با عنوان رمان منتشر می‌شوند. بحتم فقط بر سر تعداد صفحه و . . . نیست. مثلاً «تنهایی پر هیاها» یا «میرا» کریستوفر فرانک هم کمی پیش از صد صفحه هستند اما در مواجهه با آنها شک نمی‌کنیم که با رمان طرفیم. ایضاً «بیگانه» آلبر کامو. اما کارهایی که در چند سال اخیر تحت عنوان رمان منتشر شده‌اند، این طور نیستند. از سوی دیگر در «سفر کرده‌ها» ما با یک رمان کامل مواجهیم.

خودتان چه نگاهی به این وضعیت دارید؟

پیشینه رمان به عنوان یک «نوع» ادبی به قرن نوزدهم می‌رسد. داستان بلند (نول) در قرن هفدهم پیدا شد. در کشور ما، از صدر مشروطه تا امروز این دو «نوع ادبی»، داستان بلند و رمان در کنار هم رشد کرده‌اند اما در این میان همواره «داستان بلند» بر رمان تسلط داشته است و پژوهشگران باید دلایل این تسلط را بیابند. به نظر من علت‌العللش را باید در «ادبیات سکوت» جست؛ نوعی از ادبیات درونگر که در کشور ما با «بوف کور» به وجود آمد و در «شازده‌احتمجاب» و «ملکوت» تداوم یافت و در سال‌های دهه ۵۰ با کنار زدن «شوهر آهوخانم» افغانی و رمان‌های اسماعیل فصیح و نسفی باورقی نویسی و رویکرد به نخبه‌گرایی به یک نوع ادبی قالب تبدیل شد. «ادبیات سکوت»

به موقعیت دردناک انسان امروز نظر دارم، بیشتر به کشش و کوشش نویسنده با دنیای درونی خودش می‌پردازد تا ایجاد گره‌هایی میان آدم‌ها و صحنه‌آرایی و ایجاد تضادهایی که به داستان کشش بدهد. به یکی، دو کتاب ۷۰ - ۸۰ صفحه‌ای که برای فروش بهتر خودشان را در قالب رمان تعریف می‌کنند، توجه نکنیم. باید از خودمان بپرسیم که سال آینده چه کسی این کتاب‌ها را به یاد می‌آورد.

در «سفرکرده‌ها» سعی کردم که در یک متن تاریخی بیرون از خودم را تماشا کنم.

در سال‌های اخیر ما با میل رو به گسترشی در رمان نویسی مواجهیم. آنگذر که عده‌ای معتقدند تا رمان ننویسی، نویسنده نیستی.

من فکر می‌کنم این اتفاق ریشه‌ای‌تر از یک مساله زیبایی‌شناسی صرف است. انگار دلایلی در ذات این فرم وجود دارد که با برخی از نیازهای یک دوره، هم‌مانگی بیشتری دارد. در غیر این صورت فکر نمی‌کنم یک سمفونی به صرف سمفونی

بودنش شرف بیشتری به یک تک‌نوازی شاهکار داشته باشد. شما چطور می‌بینید؟ فکر نمی‌کنم هیچ‌کس بتواند ادعا کند رمان برتر از داستان کوتاه است یا برعکس. بستگی دارد به «شخصیت» نویسنده. برای خلق یک داستان کوتاه خوب، نویسنده باید بتواند مدام خودش را حذف کند. بعضی‌ها می‌توانند در یک اتاق تنگ یک عمر زندگی کنند، بعضی‌ها به خانه بزرگ با اتاق‌های دوترتو نیاز دارند. یک تک‌نگاری خوب را البته به یک سمفونی گوشخراش ترجیح می‌دهم. به عنوان یک نویسنده به نظر من مهم این است که شما با توانایی‌ها و خواسته‌هایتان آشنا باشید. فردا سلیقه مردم تغییر می‌کند و اما الزاماً شخصیت‌هایم تغییر نمی‌کند. با این حال این هم حقیقت دارد که



«سفر کرده‌ها» عنوان رمانی از حسین نوش‌آذر است که در سال جاری توسط نشر نی به بازار کتاب عرضه شد. داستان این رمان در سال‌های ۱۳۳۰ می‌گذرد و روایتی چندوجهی از انسان‌هایی را که در این برهه از زمان می‌زیستند به خوبی می‌سازد و پیش

ادبیات داستانی امروزه نمی‌تواند با رسانه‌هایی مانند سینما رقابت کند. ناچاریم بالاخره یک روز به نهایت شیء نظر داشته باشیم و نهایت شیء را در زبان بیان کنیم. ۱۰ سال دیگر ما در ایران دربارۀ

ماکسی‌مالیسم بحث خواهیم کرد. آن روز بی‌تردید همه این حرف‌ها فراموش شده.

پاشنه آشیل ادبیات مهاجرت ما، آسیب زبان فارسی است. حتی در کارهایی که به لحاظ فرم و ساختار قدرتمندند، ما با این مشکل مواجهیم. اما نویسنده «سفرکرده‌ها» چه

تمهیدی اندیشیده تا زبان شسته‌رفته‌اش را در غرب حفظ کند و در دام این مشکل نیفتد؟ آیا همیاری‌های ویراستار در این زمینه موثر بوده است؟

ما هم مثل دیگر مهاجران سعی کرده‌ایم چپستی و کیستی فرهنگی خودمان را در زبان فارسی پیدا کنیم. زبان فارسی مثل یک چمدان‌دار یک کوله‌پشتی است و توی آن هستی فرهنگی ما به عنوان یک انسان ایرانی قرار دارد. من هر جا رقتم، این چمدان را از خودم جدا نکردم. از دیگران خبر ندارم. زندگی من اما به این چمدان بستگی دارد. وقتی شروع کردم به نوشتن، از روی بعضی متن‌ها که به نظر شیوا می‌آمدند، می‌نووشم. یعنی در واقع کار کتاب‌ها و نسخه‌نویس‌های قدیم را انجام می‌دادم. روزنامه‌نگاری هم البته به گمانم بی‌تاثیر نبوده. علاوه بر این آگاهی از خطری که شما گوشزد می‌کنید، باعث می‌شود انسان مدام از خودش مراقبت کند. کسی که سکنه قلبی کرده، معمولاً سبگار نمی‌کشد و مراقب تغذیه‌اش است. ویراستار در این میان به یک پرستار و در برخی

گفت‌وگو با حسین نوش‌آذر، نویسنده رمان «سفر کرده‌ها»

اصالت تجربه



- کریم منصوری***

می‌برد. پیش از این ترجمه‌هایی هم از نوش‌آذر منتشر شده که از آن جمله می‌توان به «پس یاد همه چیز را با خود می‌برد» و «یک زن بدبخت» از ریچارد برایتگان اشاره کرد. در این گفت‌وگو تنها به رمان «سفرکرده‌ها» پرداخته‌ایم که در پی می‌آید.

موارد به یک طیب می‌ماند. شما از نسل نوستالژی «سفر شب» و «خشم و هیاها» هستید. شخصیت پاور هم خیلی «بنجی» وار به نظر می‌رسد. از سوی دیگر ما در کلیت اثر با نگاه دقیق و تحلیلیگری

یک دستگاه فکری منظم نیاز داشتیم. در ترجمه‌ها و مقاله‌هایتان، همواره توجه به هنر نو دیده می‌شود. اما به نوعی می‌شود گفت «سفر کرده‌ها» یک رمان کلاسیک است. تعدد خاصی در دوری از

<div><div> </div></div>	سفر کرده‌ها	
نویسنده: حسین نوش‌آذر		
ناشر: نی		
چاپ: اول، ۱۳۸۸		
قیمت: ۴۶۰۰ تومان		

مواجهیم. این نگاه چگونگی به نقطه‌ای می‌رسد که کنش اصلی و نهایی رمان را یک کاراکتر نیمه دیوانه بر عهده دارد؛ نسب کاراکترهای روان‌پریش ادبیات داستانی فارسی را به یاد بیاورید از «سه قطره خون» تا . . .

نمی‌توانم به آن پاسخ دهم. من بیست سال پیش هوشمندانه و مشکلی است. است که در بیمارستان‌های روانی کار می‌کنم. وقتی هشت سالم بود در صندلی عقب تاکسی کنار مادرم نشسته بودم. یک آمبولانس آژیرکش‌دار در ترافیک خیابان عباس‌آباد سعی می‌کرد هر زنده را باز کند. یک مرد دیوانه کاملاً برهنه به شیشه مات آمبولانس که آسیب دیده بود و برای همین هم می‌شد او را با همه برهنگی‌اش دید با درد عجیبی چنگ می‌زد. بعدها زندگی حرفه‌ای من با انسان‌های روان‌پریش گره خورد. گاهی فکر می‌کنم آن واقعه در هشت سالگی بی‌تاثیر نبوده. این را می‌دانم که «یاور» بخشی از وجود من است. آن نگاه تحلیلی هم یکی دیگر از سویه‌های شخصیتی‌ام است. شاید برای مهار کردن «یاور» درون به

نگاهی به مجموعه شعر «افشین‌های شاهرودی»

چله نشینی واژه‌ها در چاه

- بهاره رضایی***

می‌زند:

او از عرفان و درون‌نگری‌های شاعرانه‌ای‌که «بیزن جلالی» در شعرهایش از آن بهره می‌برد، گذر کرده و همین‌طور از روایت‌های متناوب و گاه طولانی احمدرضا احمدی نیز پیشی گرفته است.اگرچه به نظر می‌رسدتاثیر فضای شعرهای احمدرضا احمدی در شعرهای او گاهی مشهود است اما شاهرودی با استفاده از فضا و روایتی که مختص خودش است شعرهایش را از این آسیب دور کرده است.

کلمات و واژه‌ها در شعرهای او از کیفیتی ارگانیک برخوردارند. واژه‌ها جان دارند و با ما حرف می‌زنند. او برای استفاده از واژه‌ها از درون، با وسواس عمل می‌کند. رفتار زبانی افشین شاهرودی در این کتاب متمسکنانه، حساب‌شده و با چپش درست

واژه‌ها کنار هم، همراه است که اینها همه از رفتارشناسی حساب‌شده شاعر با واژه‌ها خبر می‌دهد. چیزی که در بطن واژه‌های این کتاب موج می‌زند آرامشی است که کلمات دارند و هر کدام رها و آرام کنار هم نشسته‌اند و تعارضی با هم ندارند. اما این آرامش به نوعی اعلان جنگی غیررسمی است. همان‌گونه که شاعر در این کتاب از پدیده جنگ و تاثیر آن در بافت شعرها فضایی صلح‌آمیز و قابل‌تامل برای خواننده رقم

می‌بینیم.
امکان خطر اجرایی کلان‌نگر را به متن می‌تواند بدهد اما شاعر توانسته است از کلان‌نویسی بگذرد می‌دهد. چیزی که در بطن واژه‌های این کتاب روایتی کلیشه‌مند بدل نسازد و حتی از این مرحله هم گذر کند و با استفاده از واژه‌هایی عمومی، طنزی عاشقانه بیافریند:

امروز/ در جیب ماه/ یک نامه عاشقانه پیدا کردم/ نوشته بود: / در آسمان برکه/ منتظرت هستم/ ص ۴۷

بهاره

نیاز پیدا می‌کرده، این مشکل را چگونه برطرف کرده است؟

هر چی که دستم آمد، خواندم. خاطرات سعید نفیسی در آن میان درخشان بود. هنوز کسانی هستند که سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد را به خاطر دارند. روایت‌های شفاهی‌بی‌نظیر است. تهران در «سفرکرده‌ها» تهرانی است که پدرم و پدربزرگم در آن زندگی کرده‌اند. باید آن شهر را پیدا می‌کردم. آدم وقتی به گذشته‌ها سفر می‌کند آرام می‌شود. با این حال انسان باید مراقب باشد که از گذشته برای خودش زندان نسازد. ما به گذشته سفر می‌کنیم که

بتوانیم امروزمان را بهتر بشناسیم. در اغلب کارهای نویسندگانمانی که مقیم ایران نیستند، ما با غم غربت یا زندگی در حاشیه جامعه‌ای دیگر مواجهیم. اما شما در «سفرکرده‌ها» در انتخاب موضوع و داستان اصلاً به سوی دیگری رفته‌اید. اگر امکان دارد کمی در این زمینه توضیح دهید.

«غم غربت» همیشه انگیزه خوبی بوده برای گفتن یک داستان خوب. سفرکرده‌ها شخصی‌ترین و در همان حال غیرشخصی‌ترین داستانی است که نوشته‌ام. وقتی بعد از ۱۰ سال زندگی در آلمان برای اولین بار به تهران سفر کردم وحشت کردم. در شهر خودم کاملاً بیگانه شده‌بودم. احساس کردم چیزی را از دست داده‌ام و دیگر هرگز آن را به دست نمی‌آورم.

داستان‌نویس‌ها با این حقیقت آشنا هستند: گاهی ما می‌نویسیم که شکست‌ها و چاره‌هایی را که از دست داده‌ایم جبران کنیم. می‌بینیم ما در غربت نوستالژیک هستیم. از آن داستان‌های حاشیه‌ای‌که شما می‌فرمایید، زیاد نوشته‌ام. «سفرکرده‌ها» یک نقطه عطف بود در زندگی ادبی من. چون زندگی من هم ناگهان عوض شد.

چه نگاهی به ادبیات داستانی معاصر ایران دارید؟ آیا توان رقابت با ادبیات جهان را دارد؟
انتشار رمان آقای مندی پور در آمریکا و رمان آقای چهل تن در آلمان یک گام بزرگ برای ادبیات ما در دنیا و یک گام کوچک برای نویسندگان‌شان است. ما به نهادهای فرهنگی و به مترجمان خوب نیاز داریم. ادبیات داستانی بعد از انقلاب از نظر کمی و کیفی مستحول شده. اعتقاد دارم ما از آلمانی‌ها، هلندی‌ها و اطریشی‌ها چیزی کم نداریم. مشکل ما با خود ادبیات داستانی است که جبراً به نقصان‌ها نظر دارد. کسانی که از اعتماد به نفس برخوردار نیستند، از دیدن نقص چهره‌شان رنج می‌برند و ممکن است حتی به اینها هم بی‌اعتماد شوند. اگر به نویسندگان مان اعتماد کنیم، می‌توانیم از نقصان‌ها زیبایی بسازیم. ما هنوز و بترین مان را در دنیا ندیده‌ایم.

از کارهای بعدی‌تان برامیان بگوئید.
رمانی نوشته‌ام درباره رویکرد سلیبی به موضوع عدالت که برای مثال در اشاعره‌سراخ داریم. انتشارات مروارید این رمان را پارسال به اشتراک فرستاد، اما مستافانه هنوز مجوز انتشارش صادر نشده است.

انتشار رمان آقای مندی پور در آمریکا و رمان آقای چهل تن در آلمان یک گام بزرگ برای ادبیات ما در دنیا و یک گام کوچک برای نویسندگان‌شان است. ما به نهادهای فرهنگی و به مترجمان خوب نیاز داریم. ادبیات داستانی بعد از انقلاب از نظر کمی و کیفی مستحول شده. اعتقاد دارم ما از آلمانی‌ها، هلندی‌ها و اطریشی‌ها چیزی کم نداریم. مشکل ما با خود ادبیات داستانی است که جبراً به نقصان‌ها نظر دارد. کسانی که از اعتماد به نفس برخوردار نیستند، از دیدن نقص چهره‌شان رنج می‌برند و ممکن است حتی به اینها هم بی‌اعتماد شوند. اگر به نویسندگان مان اعتماد کنیم، می‌توانیم از نقصان‌ها زیبایی بسازیم. ما هنوز و بترین مان را در دنیا ندیده‌ایم.

رمانی نوشته‌ام درباره رویکرد سلیبی به موضوع عدالت که برای مثال در اشاعره‌سراخ داریم. انتشارات مروارید این رمان را پارسال به اشتراک فرستاد، اما مستافانه هنوز مجوز انتشارش صادر نشده است.

آنجا سکوت می‌کند آرام می‌شود و در طی طریق تازه‌ای به شعرهایش برمی‌گردد:
من / تازه فهمیده‌ام که چرا هستم/ دیشب که ماه در چاه بود/ و چاه پر از ماه/ پدرم/ با چشم‌های گرمه/ مادرم را بلعید/ ص ۳۰
کودک‌وارگی‌های شاعر و بازیگروشی‌های کلامی و تصویری‌اش در متن این کتاب، همراه با اضطراب و نگرانی‌هایش از هستی اطرافش، بخش زیادی از شعرهای این مجموعه را دربرگرفته است. کودک درون شعرهای شاهرودی، همیشه فعال است و شلنگ‌انداز؛ پرسه می‌زند. گاهی سوال‌های فلسفی از خودش می‌پرسد و چندان هم در پی دریافت پاسخ نمی‌گردد. در شعرهای دیداری این کتاب، مرز مشخصی میان دیدن و خواندن نمی‌توانیم تعیین کنیم. تصویر به مثابه یک متن است. بخشی که جداسازی از روایت غیرممکن می‌شود و در مواردی حتی به متن کمک می‌کند. و حتی پیش‌ترتر از متن، حرکت می‌کند. شعرهای این کتاب در واقع کلاژی از وهم و واقعیت‌های شاعر است و بافت کلامی با فضای تصویری در شعر، ارتباطی توانمان و جدانشدنی دارد.

دوباره برمی‌گردم به سوال شاعر از خودش و آن را از مخاطب این کتاب می‌پرسم. حالا به نظر شما افشین شاهرودی در این سال‌ها پشت عکس‌هایش مخفی شده بود؟!

ما هم مثل

دیگر مهاجران

سعی کرده‌ایم

چپستی و کیستی

فرهنگی خودمان را

در زبان فارسی

پیدا کنیم

زبان فارسی

مثل یک چمدان

با یک کوله‌پشتی است

و توی آن

هستی فرهنگی‌ما

به عنوان یک انسان

ایرانی قرار دارد

پیدا کنیم

زبان فارسی

مثل یک چمدان

با یک کوله‌پشتی است

و توی آن

هستی فرهنگی‌ما

به عنوان یک انسان

ایرانی قرار دارد

پیدا کنیم

زبان فارسی

مثل یک چمدان

با یک کوله‌پشتی است

و توی آن

هستی فرهنگی‌ما

به عنوان یک انسان

ایرانی قرار دارد

پیدا کنیم

زبان فارسی

مثل یک چمدان

با یک کوله‌پشتی است

و توی آن

هستی فرهنگی‌ما

به عنوان یک انسان

ایرانی قرار دارد

پیدا کنیم

زبان فارسی

مثل یک چمدان

با یک کوله‌پشتی است

و توی آن

هستی فرهنگی‌ما

به عنوان یک انسان

ایرانی قرار دارد

پیدا کنیم

زبان فارسی

مثل یک چمدان

با یک کوله‌پشتی است

و توی آن

هستی فرهنگی‌ما

به عنوان یک انسان

ایرانی قرار دارد

پیدا کنیم

زبان فارسی

مثل یک چمدان

با یک کوله‌پشتی است

و توی آن

هستی فرهنگی‌ما

به عنوان یک انسان

ایرانی قرار دارد

پیدا کنیم

زبان فارسی

مثل یک چمدان

با یک کوله‌پشتی است

و توی آن

هستی فرهنگی‌ما

به عنوان یک انسان

ایرانی قرار دارد

پیدا کنیم

زبان فارسی

مثل یک چمدان

با یک کوله‌پشتی است